

پیشگیری بهتر از درمان است، در بازی دوستانه مصدوم شد تا احتمالاً اطبا تشخیص دهند که آب و هوای کرواتسی به جنباشان نساخته است و آب به آب شده اند. پیشنهاد بنده کته ماست محلی با نعنا خشک و سیب زمینی پخته است. اگر افافه کرد که کرد و اگر هم نکرد که بهتر، یک هفته بیشتر می خوابند و باروحیه وانرژی بیشتری گوش به فرمان ایچ بعدی می شوند.

سه‌همان از جام جهانی؛ باز هم هیچ و پوچ؟



این دومین بار است که با رویای لیورپول و منچستر سیتی و ناپولی و غیره و ذلک پا به جام جهانی می گذاریم اما بهتر بازیکنانمان پس از جام جهانی سر از قطر در می آورند و یا در بهترین حالت سوژه روز اینستاگرام می شوند که نه و اگر بروی نمی گویند دلار نه تومن شده بود یا پندار توفیقی پول نمی داد و یا حتی پرسپولیس محروم بود، حتی نمی گویند مشکل از ماست و یا مثل امید ابراهیمی به طعنه تشکر نمی کنند. اینجا فحش می دهند! بله شوخی که نداریم. استقلال و پرسپولیس مثل تونل وحشت یا حتی باشگاه مشت زنی اند. یعنی وقتی واردشان شوی راه خروجی نیست و مجبوری تا آخر باهمه چیزش سازی و آش کشک خاله وار، می خواهی بخواب و نمی خواهی هم مهم نیست باز باید بخوابی. خلاصه که با این مدل بازی کردن کاش به جای فوتبال در رشته ای مثل کوش بال بازی می کردیم که در آن اصلا مالکیت بر توپ و میدان مهم نبود تا بعد از چنین تورنمنتی لااقل دو تا بازیکن را به جای العربی و تراپوزان ترنسفر کنیم سلتاویگو و برنلی!

بررسی عملکرد سرخابی ها در نقل و انتقالات

این روزها دعا بر سر این است که کدام تیم عملکرد بدتری در نقل و انتقالات داشته و یا به قولی وزیر ورزش به کدام یک از دو باشگاه تعلق خاطر دارد؟ استقلالی ها مدام از رابطه خوب پسر سلطانی فر با باشگاه پرسپولیس می گویند و ذکر وزیر استقلالی نیز از دهان قمرها نمی افتد. در این شلم شوربای مدیریتی سیدرضای افتخاری نیز با چشمی گریان و نفسی نه چندان مطمئن بالاخره بی خیال میز مدیریتی شد و آقای فتحی علی الحساب بر صندلی ریاست تکیه زد تا این افتضاح استقلالی ها در کلکسیون کردن بازیکنان بی کیفیت، مصدوم و با اضافه وزن گردن هیچ کس نیفتد و یادمان برود پندار تیم که بود و چه کرد!

از آن سمت هم پرسپولیس برای تمدید کردن با بیرانوندی که قرارداد داشت به اندازه سه بازیکن آزاد مذاکره کرد و البته سه بازیکن آزاد را هم از دست داد! احمدزاده و امیری و مسلمان هر کدام به تماشایی

من تو را بزان!



قربون برم خدارو! اگر تا همین چند وقت پیش به کسی جای من تو را دوست، من تو را عشق، من تو را فدا یا... می گفتیم من تو را بزان، با احتمال قریب به یقین آن فرد عاشق و دل شیفته شما خواهد شد. چیزی که این روزها نیاز است یک بازیکن درجه یک، یک ایجت نزدیک به درجه یک و یکی تیمی است که عمرا درجه یک نباشد. روال کار هم به این صورت است که امروز روی جلد می روند، فردا پشت میز مذاکره و پس فردا هم به تست پزشکی باشگاه! یعنی این روزها بازیکنان کشورمان یاد در شارلوا مشغولند، یا تراپوزان و یا قرار بوده به این تیم بروند. حتی فرهنگستان شعر و ادب پارسی نیز تصمیم گرفته است تا به جای واژه نامانوس آی لاو یو بگوییم من تو را بزان و اصلا در تراپوزانیدن را به معنای رفتن بازیکنان ایرانی به مرز ترکیه معنی کرده اند. همین حالا هم که شما این خط ها را خواندید معلوم نیست چند بازیکن جدید دیگر به تراپوزان ترکیه رفته اند!

مصدومیت یا مصلحت؟ مساله این است!



بزنم به تخته صادق محرمی تا وقتی که یاد داریم در پرسپولیس و ملوان از این محوطه به آن محوطه و از این موقعیت به آن موقعیت می دوید و کسی هم جلودارش نبود که لااقل صبر کن دو تا کورس هم با هم برویم. نامبرده که با هیچ فرمانی هم به صراط کلینیک باشگاه مستقیم نبود حالا با این شعار که